

مصور و دنباله دار

از سوپرمن تا مرد اتمی

■ سید مسعود شباعی طباطبائی



● کتابهای مصور دنباله دار اکنون وقت آن رسیده که تمرکز بحث بر روی داستانهای گرافیکی دنباله‌دار در مطبوعات را به نفع مولد تازه‌اش یعنی کتابهای کمیک رها سازیم. این تصادفی نیست که پدیده‌ای در میان مردم ظاهر شود، و با استقبال آنها روبرو گردد. آنهم زمانی که مردم آمادگی پذیرش کمیکهای واقعی را در سینما دارند. در عین حال این امر از آنجا باید مورد توجه قرار بگیرد که استریپ‌های روزنامه‌ای، برای انبوه خوانندگان تا به امروز جای خود را حفظ کرده‌اند.

گسترش و رشد کتابهای کمیک جدا از سرگرمیهای روزنامه‌ای یک روند آرام بوده است. به عنوان مثال، استریپ‌های منحصر





گانینز (Max Gaines) بود که استریپ‌های پرفروش و معروف را مجدداً به چاپ رساندند. استریپ‌هایی مانند: Bungle Joe Family شیوه کار آنها کاملاً موفق بود. به طوری که نمونه‌های بعدی به سرعت به فروش رفت. این گام کوچکی بود به سوی ایجاد تحولی جدید در فروش تجاری کتابهایی با داستانهای گرافیکی دنباله دار. به تدریج شرکتهای بزرگ انتشاراتی به وجود آمدند و بازار فروش این کتابها را در دست گرفتند. شرکتهایی نظیر «چارلتون» Charlton، «گلدکی» Gold Key، «دل» Dell و «آرچی کمیکس» Archie Comics. در این میان، تخصص انتشارات چارلتون در برداشتهای دنباله دار از کارتونهای دنباله دار موفق روزنامه‌ها بود. مصالح اصلی مورد استفاده این شرکتها از کارهای رومانیک و تخیلی آغاز می‌شود و به کارهای ماورالطبیعه‌پایان می‌یابد. انتشارات «آرچی متکی» به انواع داستانهای دنباله دار معروف و بزرگ بود که بیشتر آنها، اثر هنرمندان مشهور همان روزنامه‌ها بودند. «گلدکی» و «دل» نیز همانند چارلتون بودند اما با این ویژگی که بر شخصیت‌های خنده دار تأکید بیشتری داشتند.

به فردی به صورت مجله از شماره‌های آغازین «کودک زردپوش»، «نیمو کوچولو در سرزمین خواب» و «پسران کاترنجام»^(۱) جمع آوری شدند و در آلبومهای نفیس جای گرفتند. پیش از آن مجموعه سازی از مجلات طنز کارتونی رایج شده بود که نمونه بارز آن، «چیزهای خوب» The Good Things از سری مجموعه «لایف» Life است که در ۱۸۸۳ اجرا شده بود و در ۱۹۹۲ اولین تجدید چاپ آن به طور ماهانه منتشر شد.

کمیک ماهانه در هر شماره‌اش یک استریپ متفاوت را در خود داشت (شامل Barney Google Polly and her Pals). آنها به مربعهای ۱۰ اینچ تقسیم شده بودند که در هر صفحه چهار مربع صفحه‌آرایی می‌شد و به قیمت ۱۰ سنت در آمریکا به فروش می‌رفت. در ۱۹۲۹، تلاش دیگری انجام شد. The Funnies اولین استریپی بود که با شخصیت‌های قدیمی و با فرم بندی و صفحه‌آرایی خاصی به طور هفته نامه به چاپ می‌رسید. این استریپ که براساس کمیک‌های بریتانیا تولید شده بود خیلی زود با مشکلات بسیاری روبرو شد زیرا نتوانست برخلاف کمیک‌های بریتانیایی از حمایت چندانی برخوردار شود و تقریباً پس از ۱۳ شماره، چاپ آن متوقف شد. باید توجه داشت در رابطه با توصیفی که از کتاب کمیک داریم، این اولین نمونه آمریکایی با این فرم بود هر چند The Funnies اولین کتاب کمیک نبود اما نمونه بارزی از فرم‌بندی و توجه به نکات ساختاری و صفحه‌آرایی نوین بود.

تا میانه دهه ۳۰، ناشرین سخت درتلاش بودند تا با چاپ دوباره داستانهای مصور، بازار را در اختیار بگیرند. در ۱۹۳۳ Funnies on Parade به طور چهار رنگ به شکل جدیدی با فرم بندی مدرن کتاب کمیک چاپ شد. در واقع، این ابتکار دو فروشنده به نامهای «هری ویلدنبرگ (Hary Wildenberg) و ماکس



● لژیون ابر قهرمانان

اما انتشارات ملی National که انتشارات مارول را هم در برمی گرفت، صنعت کتابهای استریپ را تقریباً بدون رقیب عمده در دست داشت. این انتشارات با چاپ مجموعه هایی با اشارات ملی همچون سوپرمن، باتمن و رابین، زن عجیب، کاپیتان آمریکا، اسپایدرمن و... لژیونی از ابر قهرمانان را معرفی می کند. انتشار این قبیل کتابهای کمیک که از دهه ۱۹۳۰ شروع شده اند آنچنان حجم وسیعی از تیراژ را در آمریکا و دنیا ایجاد کرده اند که به ادعای این شرکت محاسبه آن از کنترل خودشان نیز خارج شده است. ابر ستارگان اسطوره‌هایی هستند که به عنوان منجی و قهرمانانی منحصر به فرد مطرح می شوند که همیشه پیروزند و همواره بر خبیثها و بدکاران غلبه می کنند. این کتابها با تصاویری اغلب خشونت آمیز ظاهر می شوند و در واقع عاملی برای سیاستهای بیرون مرزی آمریکا محسوب می شوند.

سوپرمن یکی از قهرمانان اسطوره‌ای کتابهای کمیک که به نیروهای جادویی عجیب و غریبی مجهز است،

توسط «جری سیگل» (Jeary Siegel) و «جوشوستر» (Joe Shaster) در ژوئن ۱۹۳۸ خلق شد. این استریپ به سرعت جای خود را پیدا کرد و از محبوبیتی خاص در نزد مردم آمریکا برخوردار شد. سوپرمن شخصیتی دو هویتی است. شخصی با عنوان «کلارک کنت» با قیافه‌ای معمولی که هنگام انجام وظیفه با شتاب به سمت یک کیوسک تلفن می رود و به صورت مردی قوی هیکل، نیرومند و پرنده (سوپرمن) ظاهر می شود. خالقین سوپرمن، فکر استفاده از این موجود عجیب و غریب را در داستانهای تخیلی از اسطوره‌های نظیر رب النوع پرنده در مراسم آئینی مایایی گرفتند. رب النوعی با نقاب و شنل و لباسهای پردازسنتی.

صنعت مصورسازی آمریکا با دیدن استقبال بیحدی که از این پدیده (سوپرمن) صورت گرفت همپای آن یک برنامه‌ی بازاریابی کارآمد را ارائه کرد که با تبلیغاتی گسترده فروش فرآورده‌های مرتبط با این شخصیت و نظیر آن، مثل اسباب بازیها، لباسها و... را تضمین کرد. به این ترتیب در فروشگاههای معتبر و عظیم،

عنوان قدرت برتر در جهان و منجی بشریت! ایجاد کرده است.

در سمیناری که در «براتیسلاوا» چکسلواکی در سال ۱۹۷۹ برپا شد، نمایندگان کشورهای مختلف دربارهٔ قصه‌های مصور و تأثیر آن صحبت کردند. نماینده‌ی برزیل در این باره گفت: «در برزیل ما اگر حساب گرسنه‌ها را که دسترسی به هیچ چیز ندارند، جدا کنیم بقیه درست در معرض تبلیغات آمریکایی‌اند. به ندرت کتابی در برزیل برای بچه‌ها به چاپ می‌رسد... همهٔ اطلاعات بچه‌های ما به شناخت شخصیت‌های تخیلی آمریکایی ختم می‌شود. روی مسأله شخصیت‌های تخیلی تکیه دارم چون در ادبیات مصور آمریکایی هیچگاه به آدمی واقعی پرداخته نمی‌شود، به شخصیتی نزدیک به انسانی معمولی. آثار آمریکایی برآیند خشونت‌های ارضاع نشدهٔ انسانی است. این نکته از آغاز کار ادبیات مصور و فیلمسازی کارتون در آمریکا دیده می‌شود.»^(۲)

نمایندهٔ کره جنوبی گفت: «قصه آمریکاییان فروش جنس شان است و انصافاً بهترین جنس را می‌رسانند، حالا می‌خواهد کالایشان خوردنی باشد یا پوشیدنی یا خواندنی - من گمان می‌کنم قصه‌های مصور به کودکان می‌فهماند آنکه قوی‌تر است برنده است و یادشان می‌دهد که قدرت بیابند.»^(۳)

نمایندهٔ نامیبیا در این ارتباط می‌گوید: «... بچه‌های آفریقایی نازان‌های مدرن را می‌خوانند که دیگر در کشورهای استقلال یافته زندگی می‌کند و به وسایل

الکترونیک مجهز است. بچه‌های ما می‌آموزند که نژاد سفید از آنها برتر است و انسان سفید آمریکایی برتر از همه است! - دوستان! خانه‌های ما هم پر از قصه‌های مصور آمریکایی است، در خانه‌های آفریقا، آنجا که خانه‌ای وجود دارد و اندک پولی از خرج غذا زیاد می‌آید، آقایان سوپرمن و

بخشهای مستقل و بزرگی پدید آمد که به مجموعه داران یا علاقمندان کالاهایی را عرضه می‌کردند که نمایانگر موضوعها و شخصیت‌های مجموعه‌های مصور موفق بودند. در عین حال این بازار با موفقیت هر شخصیت داستانی، به ساخت انیمیشن و فیلم زنده برای پخش وسیع آن، جهش تازه‌ای پیدا کرد. در واقع با تبلیغاتی اینچنین و با فروش گستردهٔ نشریات، کتابها و محصولات دیگران، دو هدف عمده تأمین می‌شد: نخست و در وهلهٔ اول تجارتی گسترده به واسطهٔ استقبال وسیعی که در برداشت و بعد، مطرح شدن سمبلها و اسطوره‌هایی آمریکایی که علاوه بر آمریکا در کشورهای دیگر جهان نیز رخ بنمایانند و به عنوان منجی و حامی بر آدمهای خبیث دنیا پیروز شوند. در واقع آمریکا به واسطهٔ پیشینهٔ تاریخی محدودش و نبود قهرمانان تاریخی، به اسطوره‌های خیالی روی می‌آورد. با یک بررسی اجمالی نیز می‌توان دریافت که چگونه این چهره‌های نمادین به شکل غیرمستقیم تلقی خاصی از آمریکا به

SKINS... AND HOW ON A PLANE
SOMEPLACE YOU HELPED OUT
THE GOING SKINS...

... AND YOU DONE CONSIDER-
ABLE FOR THE PURPLE SKINS.
ONLY THERE'S SKINS YOU
NEVER BOTHERED WITH...!



داسستان دنباله دار سبب شد که شخصیت‌های دیگری مانند آن پدید بیایند. در واقع می‌توان سوپرمن را پدر همه شخصیت‌هایی مانند اسپایدرمن (مرد عنکبوتی)، کاپیتان آمریکا، باتمن و اخیراً مرد اتمی دانست.^(۵) جذابیت ویژه‌ای که تکنولوژی در قرن معاصر پیدا کرد و مطرح کردن ریشه‌های این توانایی سبب شد که آمریکا بر روی این نوع تصاویر دنباله‌دار سرمایه‌گذاری خاصی صورت دهد. بدین صورت، این طرح‌ها که با مهارت خاصی کشیده می‌شوند، معمولاً به وسیله تیمی پر تعداد، طراحی و اجرا می‌گردند. این تیم شامل افرادی همچون نویسنده، طراح اولیه، طراح سناریو، طراح طرح‌های کلیدی، طراح طرح‌های میانی و اجرا کنندگان طرح‌ها مرکب از مدادچیها، مرکب چیها، حروف گذارها و... است. چاپ و نشر بی‌حد این مجموعه‌ها که همه گروه‌های



شرکاء لانه کرده‌اند، اینان به بچه‌های ما بی‌هویتی را می‌آموزند. می‌آموزند که باید فقط و فقط دنباله‌دار پول و قدرت بود. می‌گویند که این «دنیا»ست که مهم است و مالکیت همه چیز به هر قیمتی برای «خود» در دنیا، می‌آموزند که قلدرها برنده‌اند. می‌آموزند که خشونت و نفرت پرنده است، باور نمی‌کنید؟ این قصه‌های مصور را بخوانید و ببینید که چگونه «ماکیاولیزم» در قالب شان ریخته شده است.^(۲)

خلق این شخصیت و سرمایه‌گذاری کلانی که بر روی آن شد از سوپرمن چهره‌ای اسطوره‌ای در دنیا ساخت که به قول «لیشیتشتاین»، نقاش مشهور سبک پاپ‌آرت، «به عنوان سمبل کشور آمریکا مطرح است.» در واقع، دستگاه تبلیغات آمریکا از جذابیت این نوع تصاویر دنباله‌دار شروع به بهره‌برداری سیاسی کرد و خیلی زود در اکثر کشورهای دنیا مجلات و کتابهایی از طرح‌های مصور سوپرمن ترجمه، چاپ و منتشر گردید و این زمینه هنری به یکی از عوامل تبلیغات برای اهداف سلطه‌جویانه آمریکا تبدیل شد.

جذابیت آشکار و موفقیت ویژه این



سنی را به تدریج در برگرفت برای جلب توجه بیشتر، زمینه ظهور موضوعات تخیلی و عموماً خشونت‌آمیز و نمایش صحنه‌های بی‌شرمانه را فراهم کرد.

در واقع به تدریج خشونت نقش اصلی را در داستانهای دنباله دار ایفا می‌کند. خشونت بی‌معنی و بی‌هدف، خشونت غیرانسانی. در این مجموعه داستانهای مصور، آنقدر کشته فراوان و آنقدر قتل زیاد است که اهمیت کشتن، آنهم کشتن بیهوده، به صفر می‌رسد. علی‌رغم نقدهایی که علیه این نوع تصاویر، گاه و بیگاه در نشریات نوشته شد و آبراز نگرانیهای جدی والدینی که معتقد بودند این تصاویر ایجاد ابتذال می‌کند، طراحی این تصاویر به صورت موهستر و وحشتناکتر ادامه یافت. منتها متناسب با واکنشها و عکس‌العملها، فراز و نشیبهایی یافت.

و دست به اعمال خشونت‌آمیز و خطرناک همچون آنان می‌زنند. کشته شدن پسر بچه‌ای دوساله به دست دو نوجوان ۱۲ و ۱۳ ساله برای آشامیدن خون او و رسیدن به قدرت افسانه‌ای «سانگویینر» Sangvinaire (یکی از شخصیت‌های معروف کتابهای مصور کودکان) از حقایق تکان دهنده‌ای است که دنیای معاصر با آن روبرو است. کارل پوپر در اینباره معتقد است: «وقتی کودکان صحنه‌های خشونت بار می‌بینند، آنان ممکن است چنین بفهمند که: این قوی‌ترین است که حق دارد. آنان به عکس، در فهم پیامهای دقیقتر، درمی‌مانند و یا این را نمی‌فهمند که بعضی حرکتها از دیگر حرکتها توجیه شده‌تر است. ولی این را به راحتی درک می‌کنند که انسان آنچه را بخواهد، بازور می‌تواند به دست آورد.»^(۶) به اعتقاد جان ادکینز ریچاردسون در کتاب «کارتونینگ»: «حدود ۸۰٪ این کتابها



میل به نوعی ماجراجویی را در مخاطب ایجاد می‌کنند. تقریباً هر خواننده‌ای که داستانهای گرافیکی دنباله دار با بازار وسیع مردمی اش برای وی جالب باشد، از پیش همه چیز را در مورد انواع درگیریه‌ها، جنایتها و فجایع در این مجموعه‌ها حدس می‌زند.»

وقتی از ژوئن ۱۹۳۸ سوپرمن کارش را در استریپهای متحرک و عملیاتی آغاز کرد و کتابچه‌های مستقلی از این استریپها

به اعتقاد متخصصان تعلیم و تربیت، کودکان و جوانانی که مجذوب این نوع تصاویر می‌شوند، از ادبیات روی گردان می‌گردند و به دنبال فعالیت‌های ذهنی دیگر نمی‌روند. شواهد بسیاری وجود دارد که بچه‌ها تحت تأثیر این طیف وسیع استریپ‌های محیرالعقول و خشونت‌آمیز سعی در ظاهر شدن در تیپ و قواره آنان می‌کنند و آنها را به عنوان قهرمانانی در زندگی واقعی‌شان می‌پذیرند

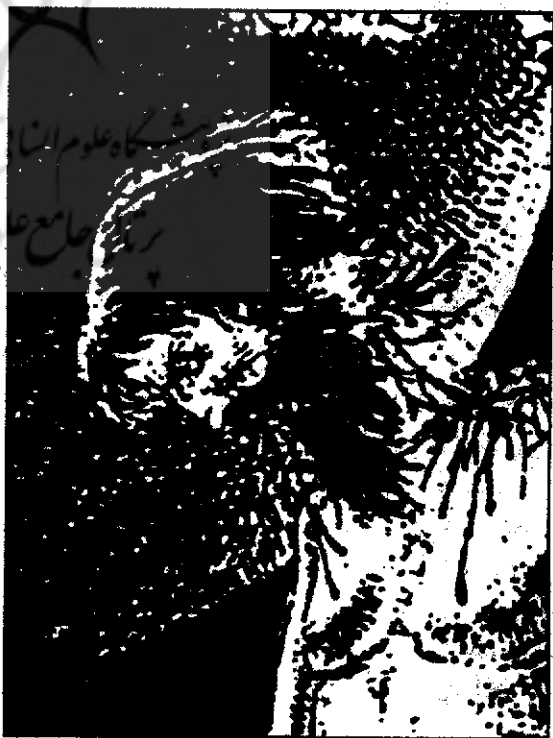


دهنده بودند. بدنهای مثله شده، گوشت و پوست در حال فساد در اکثر صحنه‌های این استریپ‌ها دیده می‌شد. اعضا و اندامها مانند میوه‌های رنگارنگ از بدنهایی که به وسیله هیولاهایی در هیبت بشر، غیر بشر و یا مافوق بشر پاره پاره شده بودند، کشیده می‌شدند.

نهایت دیوانگی رشد یافته در داستانهای دوپهلوی وحشتناکی که به وسیله شخصیت‌هایی که در دخمه‌ها و سردابهای مربوط به مراسم تدفین زندگی می‌کردند، گفته می‌شد و به آزمایش در می‌آمد. کاری که بعدها به وسیله مجله طنز «مد» به شکل متعادلتری ارائه شد. انتشار این کتابها باعث شد تا متخصصان تعلیم و تربیت در آمریکا به انتقاد پرداخته و خواستار اعمال سانسور برای حفظ سلامتی مردم شوند. «فردریک ورتنام» Wertham روانشناس در کتابش با نام «گمراه سازان بی گناهان» از کتابهای کمیک به خاطر خشونتشان و طرز برخورد اجتماعی خطرناکشان انتقاد کرد. ورتنام در صفحات کمیک‌ها خصوصاً در صفحات

به چاپ رسیدند. به تدریج، میل به نمایش قهرمانهایی با انواع گوناگون ویژگیهای فوق بشری و با تهور و شجاعت غیر بشری بیشتر شده و زمینه ارائه استریپ‌های علمی-تخیلی و وحشتناک به وجود آمد. در ۱۹۵۰ زمانی که طرفداران این کتابها از آن به عنوان یک انقلاب سخن می‌گویند؛ شرکتی به نام E.C. که نامش از حروف اختصاری کنمیکه‌های آموزشی (Educational Comics) تشکیل شده بود، کار خود را به عنوان عرضه کننده کتابهای مصور دنباله دار شروع کرد. این شرکت با ارائه داستانهای جنایی از انواع تکان دهنده‌اش پرداخت. این کتابها با داستانهایی براساس ایده‌هایی پرمبنای آنچه که در برخی مجلات علمی-تخیلی آن زمان انتشار یافت، شکل گرفتند.

غالباً موضوعات این کتابها درگیری بین ایده‌ها و اعتقادات انسانی و مفاهیم بیگانه‌ای بود که به عنوان مثال در آنها موجودات اشرافی فضایی، زنان جوان را از چنگال غولهای چشم قورباغه‌ای نجات می‌دادند. این داستانها پر از هیجانانگیز تکان





انتشارات E.C. نطفه‌های دیوانگی، نژاد پرستی، تباهی و بی‌سوادی می‌دید. جدل سیاسی او تبدیل به مبارزه‌ای مردمی با این پدیده شد و به این ترتیب دولت فدرال آمریکا مجبور به مداخله شده و کمیسیون سنای آمریکا این موارد را مورد رسیدگی قرار داد.

اما ناشران اصلی وحشت زده از ایجاد مقررات دولتی و ترسیده از یورش والدین خشمناک، به شدت عکس‌العمل نشان می‌دادند و سانسوری را بر خود تحمیل کردند. در اکتبر ۱۹۵۰، آنان یک ماده قانونی را در باب رعایت اخلاقیات از سوی ناشران کتابهای کمیک به کار گرفتند. آنها یک مقام مسئول برای داوری در مورد ناشران انتخاب کردند و اجازه دادند که انتشارات قابل قبول توسط مقام قضایی تأیید شود. با توجه به شدت برخورد مردم و این حقیقت که کتابهای کمیک در فروشگاهها، داروخانه‌ها و مغازه‌های محلی به فروش می‌رسیدند، هر کتابی که مهر «تأیید مقام قضایی» را نداشت، محکوم به بایکوت از سوی توزیع‌کنندگان سابق همان کتابها بود. به این دلیل تعداد زیادی از شرکتها دچار این مشکل شدند، زیرا آنها نمی‌توانستند یا نمی‌خواستند خود را با شرایط جدید وفق دهند که در میان آنها البته E.C. هم حضور داشت. به این ترتیب کتابهای کمیک زیرزمینی به صورت نیمه مخفی نیمه علنی برای مردم آمریکا با تیراژ وسیعتر برای دنیا عرضه شد.

در عین حال کتابهای کمیک شروع به ایجاد وجدان اجتماعی کردند، کسانی مانند «نیل آدامز» به ناکهان شیطانهایی مانند نژادپرستان را به عنوان شخصیتهای منفی داستان برگزیدند. همچنین آنها آلودگی محیط، فقر فجیع در میان سیاهان، فراوانی و مشکلات مواد مخدر را به عنوان موضوعات شخصیتهای منفی داستان به کار بردند. عموماً این کارها با موفقیت روبرو بودند، اما از صورت مسأله چیزی کاسته نشد: خشونت، مسائل ضد اخلاقی و

ابتدال به گونه‌ای دیگر در داستانهایی مصور ظاهر شد. از این نظر رویکرد صنعت کتابهای کمیک برای بیان بدیهای اجتماعی، بسیار سطحی و ساده انگارانه بود و همچنان میزان فروش محور بود. حجم فروش برای صنعت کتابهای کمیک، در واقع همه چیز را تشکیل می‌داد. از اینها گذشته، بیشتر شرکتهای نشر و پخش تشکیلاتی آنها به وسیله افرادی اداره می‌شوند که تنها توجه شان به محصول در این بود که آیا پولی که برای این کتابها سرمایه‌گذاری شده است، یا سودی مضاعف باز می‌گردد یا نه.

● منابع:

- ۱- «پسران کاتزنجاژ» اثر «رودلف دیرکس» که از ۱۸۹۶ چاپ آن شروع شد، تاکنون نیز جذابیت خود را حفظ کرده و انتشار آن ادامه دارد.
- ۲- کاوزگر، امبرلیزیم مصور مخصوص کودکان، مجله سروش، سال پنجم، شماره ۲۰۷، ص ۶۳.
- ۳- همان مجله، ص ۶۳.
- ۴- همان مجله، ص ۶۳.
- ۵- سرد اتمی جدیدترین داستان دنباله دار از مقوله اسطوره‌های آمریکایی است. او دارای سه شخصیت است. یعنی یکی بیشتر از سوپرمن، سومین شخصیت مرد اتمی را چهره یک دانشمند با وجدان تشکیل می‌دهد که به طور مداوم با توصیه‌های علمی وارد گود می‌شود. این تصاویر بخشی از نوع تازه داستانهای گرافیکی دنباله دار با عنوان زپ کرپو Zap cpow است که پر از جدیدترین اختراعات خیالی است.
- ۶- کارل پوپر، تلویزیون خطری برای دموکراسی مترجم: دکتر شهیدی مؤدب، انتشارات اطلاعات، تهران، ۱۳۷۴، ص ۳۴.